■ یک‌شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵ ■ ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ ■ ۱۵ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۷ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق




۲

استمرار وابستگی به کانال ارزی امارات دسترسی آمریکا و اسرائیل به شریان‌های تجارت خارجی ایران را حفظ کرده و امنیت اقتصادی کشور را به مخاطره انداخته است

# جنگ اقتصادی علیه ایران از کانال امارات

## راهکارهایی برای پایان دادن به وابستگی ارزی به امارات

- تسویه مستقیم با چین: جایگزینی تدریجی واسطه‌های اماراتی با سازوکارهای مستقیم پرداخت میان بانک‌های ایرانی و چینی.
- توسعه مبادلات با یوان: افزایش سهم یوان در تسویه صادرات و واردات و کاهش نقش دلار در قیمت‌گذاری و پرداخت‌های تجاری.
- راه‌اندازی مسیرهای بانکی جایگزین: مذاکره با بانک‌های کشورهای همکار برای ایجاد کانال‌های مستقل و کم‌ریسک پرداخت.
- کاهش تمرکز بر امارات: جلوگیری از تمرکز بخش مهمی از درآمدهای صادراتی و تسویه تجاری کشور در یک جغرافیای مالی محدود.
- توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه: استفاده از پول ملی در مبادلات با چین، روسیه و سایر شرکای راهبردی.
- ایجاد شبکه تسویه منطقه‌ای: طراحی سازوکارهای پرداخت چندجانبه برای کاهش نیاز به واسطه‌های متصل به نظام مالی آمریکا.
- تنوع‌بخشی به مسیر وصول درآمدهای نفتی: جلوگیری از وابستگی درآمدهای صادراتی به یک مسیر یا مرکز مالی مشخص.
- توسعه زیرساخت‌های پرداخت غیردلاری: استفاده از ظرفیت سامانه‌هایی مانند پرداخت فرامرزی CIPS چین و بررسی امکان اتصال و همکاری بانکی با آن.
- شفاف‌سازی عملکرد ارزی بانک مرکزی: انتشار گزارش دوره‌ای از سهم ارزها، مسیرهای تسویه و میزان دسترسی واقعی به درآمدهای صادراتی.
- تدوین نقشه راه دلارزدایی: تعیین اهداف کمی، زمان‌بندی مشخص و شاخص‌های ارزیابی برای کاهش وابستگی به دلار و درهم.

۳

مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

# تصمیمات دولت پزشکیان به نفع مرفهان است



- ارز ترجیحی حذف نشد؛ فقط ۶ برابر گران شد!
- شوک سوم ارزی چراغ خاموش آغاز شده است
- دولت پزشکیان به جای مردم، جیب خودروسازان و مرفهان را پر می کند
- دولت با گران‌سازی ارز، کسری بودجه‌اش را جبران می کند
- دولت منافع مرفهان را به معیشت مردم ترجیح داد
- خودروی ملی یا خودروی چینی؟ مردم تاوان انحصار را می دهند
- دولت سفره مردم را به دلار ۲۷۰ هزار تومانی گره زده است
- وزنه‌های دولت روی دوش مردم سنگینی می کند
- ما چیزی به نام حذف ارز ترجیحی نداریم؛ ارز ترجیحی فقط گران شده و به حدود ۱۸۰ هزار تومان رسیده است
- یکی از تبعات تصمیم ارزی دولت در دی ماه ۱۴۰۴، خم کردن کمر اقتصاد ایران و له کردن برخی دهک‌های پایین تر درآمدی زیر دست و پای دولت است
- در بازار انحصاری لوازم خانگی به مانند بازار انحصاری خودرو عده‌ای سودجو در حال کاسبی هستند
- اینکه ۱۵۰۰ میلیارد تومان در دوره اخیر مدیریتی هلدینگ شستا صرفاً هزینه‌های تبلیغاتی شده جای بررسی و نظارت دقیق دارد

# ابهامات ساخت‌وساز ۱۶۸ واحدی شرکت معدنی کانی مس






به گزارش «خانه اقتصاد»، براساس اطلاعات صورت مالی سال ۱۴۰۳ شرکت خدمات فنی و مهندسی صنایع و معادن کانی مس از زیرمجموعه‌های صندوق بازنشستگی ملی مس، تا سال ۱۴۰۳ در یک پروژه ۱۶۸ واحدی در نیایش تهران سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری در حالی صورت می‌گیرد که در اساسنامه شرکت، موضوع فعالیت شرکت، ارائه خدمات طراحی و مهندسی و تکنولوژی تولید قطعات یدکی و تجهیزات خطوط تولید واحدهای صنعتی و معدنی (بالاخص معدن و صنعت مس) ذکر شده است. اما موضوع عجیب‌تر، افزایش عجیب متراژ قابل ساخت این پروژه است. طبق اطلاعات درج‌شده در وب‌سایت شرکت کانی مس این شرکت، زمین پروژه نیایش را به متراژ ۵۰۰۰ مترمربع در منطقه ۵ تهران خریداری کرده است. در مرحله بعدی، پس از خرید تراکم مازاد، نهایتا پروانه اولیه با متراژ کل ۳۲ هزار و ۵۸۰ مترمربع، قابل اجرا در سه بلوک مجزا هرکدام ۷ طبقه از شهرداری اخذ شده است. همچنین در زمان نهایی سازی پروانه، شرکت کانی مس، جواز نهایی پروژه را با مساحت زیربنای ۳۳ هزار و ۴۱۶ مترمربع با هشت طبقه مسکونی از شهرداری تهران اخذ کرده است. در واقع از پروانه اولیه تا جواز نهایی، مساحت پروژه کانی مس ۸۳۶ مترافزایش تراکم داشته است.

قابل ذکر است ورود شرکت‌ها و صندوق‌های بازنشستگی به حوزه مسکن علاوه بر افزایش قیمت‌ها، بعضا با فروش تراکم، منجر به افزایش فشار به زیرساخت‌های شهری، شلوغی برخی مناطق و افزایش تراکم و ترافیک می‌شود.



چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
یکشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۷



## حذف کالابرگ خانوارها غیرقانونی است

عضو هیات رئیسه مجلس در نامه‌ای خطاب به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حذف تعدادی از خانوارها از طرح کالابرگ الکترونیکی را فاقد مجوز قانونی دانست و خواستار توقف فوری این رویه شد.

روح‌الله متفکرآزاد، نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو و عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای رسمی خطاب به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حذف تعدادی از خانوارها از طرح کالابرگ الکترونیکی را فاقد مجوز قانونی دانست و خواستار توقف فوری این رویه شد.

وی با اشاره به قانون بودجه سال ۱۴۰۵ تأکید کرد: هیچ حکمی مبنی بر اجرای آزمون وسع یا حذف مشمولان از طرح کالابرگ در قانون پیش‌بینی نشده است و وزارتخانه نمی‌تواند صرفاً بر اساس تشخیص خود، خانوارها را از این حمایت معیشتی محروم کند. دیوان محاسبات کشور نیز این موضوع را تأیید کرده است.

متفکرآزاد همچنین ثابت ماندن اعتبار یک‌میلیون تومانی کالابرگ از دی ماه ۱۴۰۴ تاکنون را با وجود افزایش قیمت کالاهای اساسی، مصداق ترک فعل و عدم اجرای تکالیف قانونی دانست و بر ضرورت افزایش اعتبار کالابرگ متناسب با تورم تأکید کرد.

عضو هیات رئیسه مجلس در تذکر خود، بازگشت فوری خانوارهای حذف‌شده، افزایش اعتبار کالابرگ، شفاف‌سازی معیارهای حذف و ایجاد سازوکار مؤثر اعتراض را خواستار شد و بر ضرورت ارائه گزارش رسمی وزارتخانه به مجلس درباره مبانی قانونی این اقدامات تأکید کرد.



## صف طولانی وعده‌ها برای اتصال ریلی تنها بندر اقیانوسی کشور

در حالی که رئیس جمهور وعده افتتاح راه‌آهن چابهار-زاهدان در هفته دولت را داده بود، وزیر راه از بهره‌برداری تا دو ماه آینده خبر داده و مدیرعامل شرکت ساخت نیز پایان سال ۱۴۰۵ را زمان اتصال تنها بندر اقیانوسی کشور به شبکه ریلی اعلام کرده است.

راه‌آهن چابهار-زاهدان از مهم‌ترین طرح‌های زیرساختی شرق کشور است که قرار است بندر شهید بهشتی چابهار را به شبکه سراسری راه‌آهن متصل کند که تکمیل آن بارها با زمان‌بندی‌های متفاوت اعلام شده، اما هر بار موعد بهره‌برداری به تاریخی دیگر موکول شده است.

### از وعده هفته دولت تا دو ماه آینده

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، پیش‌تر وعده داده بود این خط ریلی در هفته دولت امسال (شهریورماه) به بهره‌برداری برسد. پس از محقق نشدن این زمان‌بندی، محمد جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور، در اظهاراتی از افتتاح پروژه طی دو ماه آینده خبر داد.

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی نیز در نوزدهمین همایش بین‌المللی حمل‌ونقل (۱۹ آبان) اعلام کرد تمام تلاش این وزارتخانه بر تکمیل راه‌آهن چابهار-زاهدان طی یک تا دو ماه آینده متمرکز است. وی همچنین از اختصاص حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان منابع به این پروژه طی دو سال گذشته خبر داد.

### بهره‌برداری از پروژه احتمالاً آخر سال است

با وجود این وعده‌ها، هوشنگ بازوند، معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور، در ۲۲ مهرماه زمان دیگری را برای افتتاح پروژه اعلام کرد. به گفته وی، راه‌آهن چابهار-زاهدان در صورت تداوم روند فعلی تا پایان سال ۱۴۰۵ به بهره‌برداری خواهد رسید. بازوند پیش‌تر از پایان عملیات ریل‌گذاری مسیر خبر داده و گفته بود عملیات جوشکاری ریل‌ها و اقدامات تکمیلی برای آماده‌سازی خط در حال انجام است. همچنین چهار هزار میلیارد تومان اعتبار برای ادامه عملیات اجرایی طرح ابلاغ شده است.

### پروژه‌ای فراتر از یک خط ریلی

راه‌آهن چابهار-زاهدان حدود ۶۳۰ کیلومتر طول دارد و با عبور از نیکشهر، ایرانشهر و خاش، بندر چابهار را به شبکه ریلی کشور متصل می‌کند. بخش زاهدان تا خاش این مسیر در سال ۱۴۰۱ افتتاح شده و بخش باقی‌مانده، اتصال چابهار به شبکه سراسری را محقق خواهد کرد.

این خط ریلی که عملیات اجرایی آن در سال ۱۳۹۲ آغاز شد در هشت قطعه طراحی شده است. قطعات اول و دوم پروژه حد فاصل شهرهای چابهار و نیکشهر است که شامل هشت ایستگاه می‌شود. قطعات سوم و چهارم پروژه حد فاصل شهرهای نیکشهر و ایرانشهر بوده و در این مسیر هشت ایستگاه قرار داد.

قطعات پنجم و شش الف و ب پروژه، حد فاصل شهرهای ایرانشهر و خاش است و قطعات هفت و هشت پروژه نیز حد فاصل شهرهای خاش و زاهدان بوده که به طول ۱۵۵ کیلومتر در سال ۱۴۰۱ به افتتاح رسید.

اهمیت این پروژه علاوه بر جابه‌جایی مسافر و بار، اتصال ریلی بندر چابهار و افزایش ظرفیت انتقال کالا از سواحل مکران به مناطق مرکزی و شمالی کشور است و زمینه استفاده بیشتر از این بندر در مسیرهای ترانزیتی منطقه را فراهم خواهد کرد.

اکنون با پایان ریل‌گذاری و ورود پروژه به مراحل تکمیلی، انتظار می‌رود وعده تازه افتتاح این خط ریلی به زمان‌بندی عملیاتی و قابل سنجش تبدیل شود؛ چراکه برای پروژه‌ای با بیش از ۱۶ سال سابقه (طرح این پروژه از سال ۱۳۸۹ آغاز شده)، آنچه اهمیت دارد نه اعلام تاریخ جدید، بلکه شنیده شدن واقعی سوت قطار در چابهار است.

بهره‌برداری از این مسیر ریلی می‌تواند نقطه عطفی در توسعه جنوب شرق کشور و ارتقای جایگاه ایران در نقشه ترانزیت منطقه باشد. با تکمیل این پروژه راهبردی، بندر چابهار به‌عنوان دروازه اقیانوسی ایران، نقشی تعیین‌کننده در ترانزیت کالا میان آسیای مرکزی، افغانستان و آب‌های آزاد ایفا خواهد کرد.




### استمرار وابستگی به کانال ارزی امارات دسترسی آمریکا و اسرائیل به شریان‌های تجارت خارجی ایران را حفظ کرده و امنیت اقتصادی کشور را به مخاطره انداخته است؛

# جنگ اقتصادی علیه ایران از کانال امارات

**گزارش**

اگر اسکناس دلار را از روی میز تجارت خارجی ایران برداریم و به جای آن درهم امارات بگذاریم، آیا واقعا از وابستگی به دلار فاصله گرفته‌ایم؟ پاسخ این پرسش به آن سادگی نیست که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. ممکن است نام دلار از قراردادها و صورت حساب‌ها حذف شود، اما ساختاری که ارزش پول، مسیر پرداخت و امکان دسترسی به درآمدهای کشور را تعیین می‌کند، همچنان به نظام مالی آمریکا وابسته بماند. این همان تناقضی است که امروز در بخشی از مناسبات ارزی ایران مشاهده می‌شود.

سال‌هاست بخشی از درآمدهای صادراتی و پرداخت‌های تجاری ایران از مسیر شبکه‌های مالی امارات تسویه می‌شود. این مسیر در دوره تحریم به تداوم تجارت خارجی کشور کمک کرده، اما استمرار وابستگی به آن در شرایط کنونی، پرسش‌های تازه‌ای ایجاد کرده است. کشوری که درگیر جنگ و فشار اقتصادی است و کاهش وابستگی به دلار را از اهداف راهبردی خود می‌داند، تا چه اندازه می‌تواند مدیریت منابع ارزی‌اش را به شبکه‌ای متکی کند که پیوندهای عمیقی با نظام پولی آمریکا دارد؟ برای فهم مسئله باید از خود درهم آغاز کرد. امارات برخلاف بسیاری از کشورها اجازه نمی‌دهد ارزش پول ملی‌اش آزادانه در برابر دلار تغییر کند. بانک مرکزی این کشور نرخ برابری درهم را در حدود ۳٫۶۷۲۵ درهم برای هر دلار ثابت نگه داشته و برای حفظ این نسبت، در بازار ارز مداخله می‌کند. این سیاست از سال‌ها پیش به یکی از پایه‌های نظام پولی امارات تبدیل شده است.

پیوند درهم با دلار فقط به نرخ تبدیل محدود نمی‌شود. بانک مرکزی امارات در تعیین نرخ بهره پایه خود نیز از سیاست پولی آمریکا تأثیر می‌پذیرد. برای نمونه، در فروردین ۱۴۰۵، بانک مرکزی امارات پس از تصمیم بانک مرکزی آمریکا برای ثابت نگه‌داشتن نرخ بهره ذخایر بانکی، نرخ بهره پایه خود را بدون تغییر حفظ کرد. خود بانک مرکزی امارات نیز رسما اعلام کرده که نرخ پایه این کشور به نرخ بهره ذخایر نزد بانک مرکزی آمریکا متصل است.

معنای اقتصادی این پیوند روشن است. وقتی آمریکا سیاست پولی خود را تغییر می‌دهد، امارات برای حفظ ثبات ارزش درهم ناچار است آثار آن تصمیم را در سیاست پولی خود در نظر بگیرد. بنابراین درهم، اگرچه پول ملی کشوری مستقل است، از نظر ارزش و سیاست پولی در مدار دلار حرکت می‌کند. البته این به معنای آن نیست که درهم دقیقا همان دلار است یا هر پرداخت درهمی الزاما از شبکه تسویه دلاری آمریکا عبور می‌کند. مسئله وابستگی ساختاری است. وابستگی‌ای که با تغییر نام ارز از بین نمی‌رود.

### خطای رایج دلارزدایی

یکی از خطاهای رایج در بحث دلارزدایی، محدود کردن مسئله به واحد پول مورد استفاده در معاملات است. تصور می‌شود اگر کشورها به جای دلار از درهم، یوان یا روبل استفاده کنند، وابستگی پولی آن‌ها به آمریکا پایان می‌یابد. حال آنکه جایگاه دلار در اقتصاد جهانی بر مجموعه‌ای از مناسبات استوار است که از قیمت‌گذاری کالاها تا روابط بانک‌های بین‌المللی امتداد دارد. برای مثال، ممکن است قیمت نفت ایران بر مبنای دلار تعیین شود، خریدار آن را با ارزی دیگر بپردازد و درآمد حاصل نیز برای استفاده در تجارت خارجی چند بار تبدیل شود. در این فرآیند، دلار همچنان معیار محاسبه ارزش است، حتی اگر پرداخت نهایی با پول دیگری انجام گیرد. از سوی دیگر، انتقال منابع ممکن است از مسیر بانک‌هایی صورت بگیرد که برای ادامه فعالیت بین‌المللی خود به روابط مالی با آمریکا نیاز دارند. درنتیجه باید میان سه موضوع تفاوت گذاشت. ارزی که قیمت کالا با آن تعیین می‌شود، ارزی که پرداخت با آن انجام می‌گیرد و شبکه‌ای که پول را جابه‌جا می‌کند. استقلال پولی زمانی معنا پیدا می‌کند که کشور بتواند در هر سه حوزه، وابستگی‌های پرخطر خود را کاهش دهد. تغییر ارز پرداخت، بدون اصلاح مسیر تسویه ممکن است بخش مهمی از مسئله را دست‌نخورده باقی بگذارد.

### کانال امارات زیر دیدبان واشنگتن

شبکه بانکی امارات یکی از مراکز مهم فعالیت‌های مالی و تجاری منطقه است و ارتباط گسترده‌ای با بانک‌های بین‌المللی دارد. این ارتباطات برای اقتصاد امارات مزیت محسوب می‌شود، اما برای کشوری مانند ایران که با تحریم‌های گسترده آمریکا روبه‌روست، می‌تواند منشأ آسیب‌پذیری باشد. چراکه این شبکه به شکل کامل تحت نظارت و کنترل آمریکا قرار دارد. بانک‌های اماراتی برای حفظ روابط کارگزاری و دسترسی به نظام مالی جهانی ناچارند مخاطرات تحریم را جدی بگیرند. حتی دستورالعمل‌های رسمی بانک مرکزی امارات نیز به پیامدهای احتمالی تحریم‌های ثانویه آمریکا در معاملات مرتبط با ایران اشاره می‌کنند. بنابراین ممکن است یک بانک اماراتی، با وجود امکان فنی انجام پرداخت به دلیل نگرانی از پیامدهای حقوقی و تجاری همکاری خود را محدود کند.

این وابستگی در شرایطی اهمیت پیدا می‌کند که بخش مهمی از تجارت ایران با چین انجام می‌شود. وقتی خریدار کالای ایرانی در چین قرار دارد و بخش قابل توجهی از نیازهای وارداتی کشور نیز از چین تأمین می‌شود، باید پرسید چرا تسویه بخشی از این تجارت همچنان به واسطه‌های مستقر در امارات نیاز دارد؟ آیا نمی‌توان مناسبات مالی مستقیم‌تری میان ایران و شریک اصلی تجاری آن برقرار کرد؟ پاسخ این پرسش به مذاکره بانکی، پذیرش طرف چینی و مدیریت محدودیت‌های تحریم نیاز دارد. اما دشواری ایجاد مسیر جایگزین، توجیهی برای دائمی شدن وابستگی به مسیر موجود نیست.

### امنیت ملی در گرو مسیر پول

در شرایط جنگی، امنیت اقتصادی معنایی بسیار ملموس پیدا می‌کند. کشوری که برای تأمین دارو، مواد اولیه کارخانه‌ها، تجهیزات و کالاهای اساسی به درآمدهای صادراتی خود نیاز دارد، باید بتواند در زمان مناسب از این منابع استفاده کند. تأخیر در دسترسی به ارز ممکن است به تأخیر در واردات تبدیل شود و توقف واردات نیز می‌تواند تولید و معیشت مردم را تحت فشار قرار دهد. از این منظر، حساب‌های بانکی و مسیرهای تسویه مالی، بخشی از زیرساخت‌های حیاتی کشور به شمار می‌آیند. همان‌طور که آسیب به یک مسیر حمل‌ونقل یا تأمین انرژی می‌تواند توان اقتصادی کشور را کاهش دهد، اختلال در دسترسی به منابع ارزی نیز ممکن است پیامدهایی گسترده داشته باشد. اگر بخش مهمی از پرداخت‌ها از یک مسیر محدود عبور کند، توقف آن مسیر می‌تواند چندین فعالیت اقتصادی را هم‌زمان گرفتار کند. وقتی دسترسی کشور به درآمدهای خود به شبکه‌هایی وابسته باشد که در معرض فشار آمریکا قرار دارند، مسئله از یک انتخاب بانکی به مخاطره‌ای برای امنیت ملی تبدیل می‌شود.

نمی‌توان برای استقلال دفاعی کشور هزینه‌های سنگین پرداخت، اما در یکی از حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد وابستگی‌های قابل کاهش را به حال خود رها کرد. امنیت ملی به همان اندازه که به توان دفاع از سرزمین وابسته است، به توان اداره زندگی مردم و حفظ جریان تجارت در روزهای بحران نیز بستگی دارد.

این سخن به معنای نادیده گرفتن خدماتی نیست که واسطه‌های مالی در سال‌های تحریم ارائه کرده‌اند. بسیاری از این مسیرها حاصل ضرورتی واقعی بوده‌اند. مسئله آن است که شرایط اضطراری نباید به سرنوشت دائمی اقتصاد کشور تبدیل شود. راهکاری که روزگاری برای حفظ تجارت ضروری بوده، باید با پیدایش امکانات تازه دوباره ارزیابی شود.

### راهی به سوی اسقاط تدریجی دلار

مطالبه کاهش وابستگی به دلار، سابقه روشنی در جهت‌گیری‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارد. رهبر شهید انقلاب در دیدار فعالان اقتصادی در سوم بهمن ۱۴۰۳، حذف دلار از مبادلات تجاری تا حد امکان را اقدامی مهم در کارزار اقتصادی دانستند و از بانک مرکزی خواستند میدان را برای استفاده از ارزهای دیگر باز کند. این تأکید با شناخت واکنش‌ها و دشواری‌های احتمالی چنین تغییری همراه بود. آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای نیز در پیام ششم شهریور ۱۴۰۵، «اسقاط تدریجی دلار از طراز نقش‌آفرینی مهم» را در کنار مسائل اساسی اقتصاد کشور مطرح کردند. واژه «تدریجی» در این مطالبه اهمیت دارد. زیرا کاهش وابستگی به دلار با یک بخشنامه یا تغییر ناگهانی واحد پول تحقق پیدا نمی‌کند. این هدف به اصلاح قراردادهای تجاری، توسعه روابط بانکی، ایجاد مسیرهای پرداخت جایگزین و فراهم کردن امکان استفاده از درآمدها با ارزهای دیگر نیاز دارد. در این میان، استمرار وابستگی گسترده به تسویه درهمی و شبکه‌های اماراتی می‌تواند با هدف کاهش نقش دلار در تجارت خارجی ایران تعارض پیدا کند. اگر قرار است دلار به تدریج جایگاه خود را در مناسبات اقتصادی کشـــور از دست بدهد، باید سهم مسیرهایی افزایش یابد که از نظر ارز پرداخت و سازوکار تسویه، استقلال بیشتری از نظام مالی آمریکا دارند.

> **شبکه بانکی امارات یکی از مراکز مهم فعالیت‌های مالی و تجاری منطقه است و ارتباط گسترده‌ای با بانک‌های بین‌المللی دارد. این ارتباطات برای اقتصاد امارات مزیت محسوب می‌شود، اما برای کشوری مانند ایران که با تحریم‌های گسترده آمریکا روبه‌روست، می‌تواند منشأ آسیب‌پذیری باشد. چراکه این شبکه به شکل کامل تحت نظارت و کنترل آمریکا قرار دارد**

### جاده ابریشم مالی با یوآن

چین می‌تواند نقطه آغاز این تغییر باشد. این کشور از یک سو شریک اصلی در بخش مهمی از تجارت خارجی ایران است و از سوی دیگر، زیرساخت پرداخت بین‌بانکی برون‌مرزی یوان، موسوم به CIPS، را توسعه داده است. بر اساس آمار رسمی، این سامانه تا همین اواخر دارای ۱۸۵۳ مشارکت‌کننده مستقیم و غیرمستقیم بوده است. وجود چنین زیرساختی ظرفیت مهمی برای گسترش تسویه با یوان فراهم می‌کند، هرچند استفاده ایران از آن به توافق‌های بانکی و حل موانع عملی وابسته است. مسیر اصلاح باید مرحله به مرحله دنبال شود. نخست لازم است جریان‌های تجاری ایران و چین بررسی و آن دسته از پرداخت‌ها که امکان تسویه مستقیم و قانونی دارند شناسایی شوند. سپس می‌توان با توافق بانک‌های مورد پذیرش دو طرف، پرداخت‌های آزمایشی را آغاز کرد و هزینه، سرعت و قابلیت اطمینان آن‌ها را با مسیر امارات سنجید. در صورت موفقیت، سهم تسویه مستقیم افزایش یابد و تجربه حاصل برای گسترش همکاری پولی با روسیه و دیگر شرکای تجاری نیز استفاده شود. ارزش واقعی استقلال پولی را باید در روزهای دشوار سنجید. روزهایی که کشور به منابع خود نیاز فوری دارد و هر تأخیر می‌تواند هزینه‌ای سنگین ایجاد کند. اســـقاط تدریجی دلار زمانی به دستاوردی راهبردی تبدیل می‌شود که ایران بتواند سهم بیشتری از تجارت خود را با ارزهای غیردلاری و از مسیرهای مستقیم، مطمئن و قابل نظارت تسویه کند. عبور تدریجی از وابستگی به تسویه امارات، از همین منظر بخشی از راهبرد صیانت از امنیت اقتصادی و ملی کشور است.

### بانک مرکزی کجاست؟

مسئله اصلی در این میان، صرفاً وجود یک مسیر ارزی آسیب‌پذیر نیست؛ بلکه استمرار وابستگی به آن در شرایطی است که کاهش نقش دلار و تقویت اســـتقلال اقتصادی کشور به یک ضرورت راهبردی تبدیل شده است. اینجا پرسش مهمی متوجه بانک مرکزی و شخص عبدالناصر همتی است: چرا کاهش وابستگی تجارت خارجی به مسیرهای ارزی متصل به دلار، به یک برنامه عملیاتی روشن، زمان‌بندی‌شده و قابل ارزیابی تبدیل نشده است؟ بانک مرکزی به‌عنوان متولی سیاست‌های پولی و ارزی کشور، نمی‌تواند صرفاً ناظر استمرار وابستگی‌های گذشته باشد. شناسایی مسیرهای پرریسک تسویه، مذاکره با بانک‌های کشورهای شریک، توسعه زیرساخت‌های پرداخت غیردلاری، افزایش سهم تسویه مستقیم با چین و طراحی سازوکارهای جایگزین برای دسترسی به درآمدهای صادراتی، از جمله اقداماتی است که باید در دستور کار جدی این نهاد قرار گیرد. نکته قابل تأمل آنکه عبدالناصر همتی پیش‌تر نیز به خطر وابستگی درهم به دلار اذعان کرده بود. او در خرداد ۱۴۰۲ تأکید کرده بود که جایگزینی دلار با درهم امارات، به دلیل اتصال درهم به دلار، لزوماً به معنای دلارزدایی واقعی نیست و در شرایط تشدید محدودیت‌های آمریکا می‌تواند فشار غیرمستقیم بر ایران ایجاد کند. بنابراین مخاطرات این مسیر، موضوعی ناشناخته برای رئیس فعلی بانک مرکزی نبوده است. با این حال، اکنون که همتی در جایگاه مسئول مستقیم سیاست‌های ارزی کشور قرار دارد، انتظار می‌رود این شناخت نظری به اقدامات اجرایی و نتایج ملموس تبدیل شود. هشدار درباره وابستگی به دلار، بدون اصلاح سازوکارهای تسویه و کاهش آسیب‌پذیری شبکه ارزی، نمی‌تواند دستاوردی برای اقتصاد ایران محسوب شود. این مطالبه نشان می‌دهد که موضوع صرفاً یک بحث نظری درباره دلارزدایی نیست؛ بلکه نگرانی درباره امنیت اقتصادی کشور و ضرورت اصلاح مسیرهای ارزی، به یک مطالبه عملی تبدیل شده است. در شرایطی که دشمن در جنگ اقتصادی به دنبال محدود کردن دسترسی ایران به منابع مالی و درآمدهای صادراتی است، تداوم وابستگی به مسیرهای آسیب‌پذیر، هزینه‌ای فراتر از یک انتخاب بانکی دارد. بانک مرکزی باید توضیح دهد چه سهمی از تجارت خارجی کشور همچنان از مسیر امارات تسویه می‌شود، چه برنامه‌ای برای کاهش این سهم دارد، چه مذاکراتی برای تسویه مستقیم با چین انجام داده و چه زمانی می‌توان انتظار مشاهده نتایج عملی این اقدامات را داشت. دلارزدایی با سخنرانی و تغییر نام ارز محقق نمی‌شود؛ با تغییر زیرساخت‌های پرداخت، کاهش وابستگی و افزایش قدرت مانور اقتصادی کشور محقق خواهد شد. اگر بانک مرکزی در این زمینه برنامه روشن و دستاورد قابل سنجشی نداشته باشد، فاصله میان شعار استقلال پولی و واقعیت وابستگی ارزی همچنان باقی خواهد ماند.

**برش**

### راهکارهایی برای پایان دادن به وابستگی ارزی به امارات

- **تسویه مستقیم با چین:** جایگزینی تدریجی واسطه‌های اماراتی با سازوکارهای مستقیم پرداخت میان بانک‌های ایرانی و چینی.
- **توسعه مبادلات با یوان:** افزایش سهم یوان در تسویه صادرات و واردات و کاهش نقش دلار در قیمت‌گذاری و پرداخت‌های تجاری.
- **راه‌اندازی مسیرهای بانکی جایگزین:** مذاکره با بانک‌های کشورهای همکار برای ایجاد کانال‌های مستقل و کم‌ریسک پرداخت.
- **کاهش تمرکز بر امارات:** جلوگیری از تمرکز بخش مهمی از درآمدهای صادراتی و تسویه تجاری کشور در یک جغرافیای مالی محدود.
- **توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه:** استفاده از پول ملی در مبادلات با چین، روسیه و سایر شرکای راهبردی.
- **ایجاد شبکه تسویه منطقه‌ای:** طراحی سازوکارهای پرداخت چندجانبه برای کاهش نیاز به واسطه‌های متصل به نظام مالی آمریکا.
- **تنوع بخشی به مسیر وصول درآمدهای نفتی:** جلوگیری از وابستگی درآمدهای صادراتی به یک مسیر یا مرکز مالی مشخص.
- **توسعه زیرساخت‌های پرداخت غیردلاری:** استفاده از ظرفیت سامانه‌هایی مانند پرداخت فرامرزی CIPS چین و بررسی امکان اتصال و همکاری بانکی با آن.
- **شفاف‌سازی عملکرد ارزی بانک مرکزی:** انتشار گزارش دوره‌ای از سهم ارزها، مسیرهای تسویه و میزان دسترسی واقعی به درآمدهای صادراتی.
- **تدوین نقشه راه دلارزدایی:** تعیین اهداف کمی، زمان‌بندی مشخص و شاخص‌های ارزیابی برای کاهش وابستگی به دلار و درهم.

# رئیس جمهور و مجلس به موضوع نرخ خرید گندم ورود کنند

رئیس بنیاد ملی گندم استان تهران و نایب‌رئیس بنیاد ملی گندم کشور با اشاره به گذشت یک ماه از آغاز سال زراعی جدید و عدم تعیین نرخ خرید تضمینی گندم، گفت: ما انتظار داریم رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به این موضوع ورود کنند و وضعیت را از نابسامانی و بی‌تکلیفی خرید تضمینی گندم درآورند. حاج قدم بوربور، رئیس بنیاد ملی گندم استان تهران و نایب‌رئیس بنیاد ملی گندم کشور با اشاره به آغاز سال زراعی جدید و عدم تعیین نرخ خرید تضمینی گندم، گفت: با وجود آنکه یک ماه از برگزاری جشن آغاز سال زراعی جدید با حضور رئیس جمهور و وزیر جهاد کشاورزی در کرج می‌گذرد و مشکلات و مسائل از جمله عدم پرداخت پول گندم مطرح شد، بازهم پرداخت پول گندمکاران تاکنون طول کشیده و هنوز که هنوز است، ۴۰ درصد از پول گندم کشاورزان به بهانه اینکه این پول بابت بیمه بخش کشاورزی است یا گندم کیفیت لازم را ندارد، پرداخت نشده و مشکلاتی را به وجود آورده است.

### انتقاد از افزایش قیمت کود اوره

رئیس بنیاد ملی گندم استان تهران و نایب‌رئیس بنیاد ملی گندم کشور با اشاره به افزایش قیمت کود اوره و فشار آن بر کشاورزان و گندمکاران، گفت: در همین بحبوحه عدم پرداخت پول گندمکاران، وزارت جهاد کشاورزی و شورای نرخ‌گذاری، قیمت کود اوره را بیش از دو برابر افزایش داد، به طوری که قیمت هر کیسه کود از حدود ۱.۵ تا ۱.۶ میلیون تومان به ۳.۵ میلیون تومان افزایش یافته است.

بوربور با انتقاد از افزایش قیمت کود اوره، ادامه داد: برخی می‌گویند برای تسهیل خرید کود به کشاورزان یارانه می‌دهیم که همه، حرف است.

### تداوم قطعی برق چاه‌های کشاورزی

رئیس بنیاد ملی گندم استان تهران و نایب‌رئیس بنیاد ملی گندم کشور با اشاره به بی‌رغبتی کشاورزان برای کشت به دلیل افزایش قیمت نهاده‌های تولید، گفت: علاوه بر افزایش قیمت کود کشاورزان با افزایش قیمت انرژی و قطعی برق چاه‌های کشاورزی نیز روبرو هستند. بوربور ادامه داد: برق چاه‌های کشاورزی همه روز ۵ ساعت قطع می‌شود و کشاورزان با مشکل قطعی برق نیز مواجه‌اند. وی با اشاره به تأخیر در تعیین نرخ خرید تضمینی گندم، گفت: هفته گذشته جلسه نرخ‌گذاری گندم برگزار شد، اما متاسفانه رئیس سازمان برنامه و بودجه حضور پیدا نکرد و جلسه لغو شد و ما هنوز



نتوانستیم بفهمیم که قیمت خرید گندم برای سال زراعی ۱۴۰۶-۱۴۰۵ چقدر است.

### دلسردی کشاورزان برای کشت گندم

رئیس بنیاد ملی گندم استان تهران و نایب‌رئیس بنیاد ملی گندم کشور با اشاره به قیمت پیشنهادی بنیاد ملی گندم، گفت: قیمت پیشنهادشده بنیاد ملی گندم با توجه به تورم و مسائل فنی که مورد تأیید وزارت جهاد کشاورزی هم هست، ۸۵ هزار تومان بود، اما قیمت شورای نرخ‌گذاری که شامل سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد است هنوز اعلام نشده است. بوربور خاطرنشان کرد: عدم تعیین قیمت خرید تضمینی گندم موجب سردرگمی کشاورزان شده که نمی‌دانند چه بکارند و چـــه نکارند و به همین دلیل، کشاورزان با دلسردی این کار را انجام می‌دهند. وی، خواستار ورود رئیس جمهور و مجلس به موضوع تعیین خرید تضمینی گندم شد و گفت: ما انتظار داریم رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به این موضوع ورود کنند و وضعیت را از نابسامانی و بی‌تکلیفی خرید تضمینی گندم درآورند.

### مصطفی پوردهقان عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

# تصمیمات دولت پزشکیان به نفع مرفهان است

■ ارز ترجیحی حذف نشد؛ فقط ۶ برابر گران شد! ■ شوک سوم ارزی چراغ خاموش آغاز شده است ■ دولت پزشکیان به جای مردم، جیب خودروسازان و مرفهان را پر می‌کند ■ دولت با گران‌سازی ارز، کسری بودجه‌اش را جبران می‌کند ■ دولت منافع مرفهان را به معیشت مردم ترجیح داد ■ خودروی ملی یا خودروی چینی؟ مردم تاوان انحصار را می‌دهند ■ دولت سفره مردم را به دلار ۲۷۰ هزار تومانی گره زده است ■ وزنه‌های دولت روی دوش مردم سنگینی می‌کند ■ ما چیزی به نام حذف ارز ترجیحی نداریم؛ ارز ترجیحی فقط گران شده و به حدود ۱۸۰ هزار تومان رسیده است ■ یکی از تبعات تصمیم ارزی دولت در دی ماه ۱۴۰۴، خم کردن کمر اقتصاد ایران و له کردن برخی دهک‌های پایین‌تر درآمدی زیر دست و پای دولت است ■ در بازار انحصاری لوازم خانگی به مانند بازار انحصاری خودرو عده‌ای سودجو در حال کاسبی هستند ■ اینکه ۱۵۰۰ میلیارد تومان در دوره اخیر مدیریتی هلدینگ شستا صرفاً هزینه‌های تبلیغاتی شده جای بررسی و نظارت دقیق دارد

## گفت‌وگو

برای بررسی شرایط اقتصادی ایران، چشم‌انداز بازار ارز و چرایی تداوم گرانی‌ها به گفت‌وگو با مصطفی پوردهقان نماینده و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی پرداخته‌ایم:

**■ آیا دولت پزشکیان با اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی در دی ماه ۱۴۰۴ به هدف مدنظری که داشت دست یافته است؟**

در ابتدا به شما توصیه می‌کنم که از اصطلاح دولت‌ساخته حذف ارز ترجیحی استفاده نکنید. چراکه اصلاً ما حذف ارز ترجیحی نداشته‌ایم و در عمل چنین اتفاقی نیفتاده است. ببینید به بیان ساده، حذف ارز ترجیحی یعنی فاصله میان نرخ ارز دولتی و بازار آزاد کاملاً برداشته شده و دیگر ما ارز تک‌نرخی داشته باشیم. آشکارا مشاهده می‌کنیم که هم‌اکنون چنین اتفاقی نیفتاده است. یعنی با وجود وعده دولت پزشکیان مبنی بر حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و یکسان‌سازی نرخ ارز به جهت جلوگیری از رانت، هم‌اکنون با دو نرخ ارز مواجهیم. یکی نرخ ارز حواله که حدود ۱۸۰ هزار تومان است و همان نقش ارز ترجیحی را ایفا می‌کند. دیگری هم نرخ ارز بازار آزاد که ۲۷۰ هزار تومان است. یعنی دولت پزشکیان به وعده‌ای که داده بود عمل نکرده و در واقعیت ارز ترجیحی و رانت حاصل از آن حذف نشده است. بلکه ارز ترجیحی گران شده و به حدود ۱۸۰ هزار تومان رسیده است. پس ما چیزی به نام حذف ارز ترجیحی نداریم و از همین رو من از شما تقاضا دارم از این اصطلاح که ساخته دولت پزشکیان برای توجیه تصمیم ارزی دی ماه ۱۴۰۴ است استفاده نکنید. قاعدتاً وقتی سیاستی در واقعیت اجرا نشده باشد به اهداف مدنظر مجری هم نرسیده است.

**■ مهم‌ترین تبعات حذف ارز ترجیحی را چه می‌دانید؟**

یکی از تبعات تصمیم ارزی دولت در دی ماه ۱۴۰۴ که به دروغ آن را حذف ارز ترجیحی نامیدند؛ خم کردن کمر اقتصاد ایران و له کردن برخی دهک‌های پایین‌تر درآمدی زیردست و پای دولت است. امروز بحث ما درباره بی‌خردی‌هایی است که به سفره مردم آسیب رسانده و عده‌ای از مسئولان که متاسفانه آن را با بهانه‌ای به نام جنگ توجیه می‌کنند. جالب است که آقایان دولتی همیشه هم آسان‌ترین راه را انتخاب می‌کنند و آن چیزی جز گران‌سازی نیست. جالب اینکه یکی از وزرای دولت فعلی در برابر اعتراض من به این نحوه مدیریت دولت و گرانسازی همه چیز، صراحتاً پاسخ داد که مسئله‌ای نیست و مردم بالاخره خودشان را با شرایط تطبیق خواهند داد. این خیلی حرف تلخی است که یک وزیر کابینه در نظام مقدس جمهوری اسلامی به خودش جرات داده تا آن را بر زبان بیاورد. واقعاً معتقدم که دولتمردان ما به عمق فاجعه‌ای که رقم زده‌اند هنوز واقف نیستند و پی نبرده‌اند.

**■ مردم درباره گرانی سرسام‌آور قیمت خودروهای داخلی بسیار معترض و آزرده هستند. به عنوان عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در این زمینه چه نظری دارید؟**

درباره خودرو ما صدها بار هشدار داده‌ایم و مصاحبه کرده‌ایم و شاید برخی حرف‌ها تکراری هم باشد. اما با این بازار انحصاری که آقایان ساخته‌اند و نامش را هم به دروغ خودروسازی ملی گذاشته‌اند امثال بنده نمی‌توانیم ساکت بمانیم. سال‌ها بهانه دولتمردان برای حمایت از خودروسازی مونتاژکار ایران این بوده که دارند از خودروی ملی و خودکفایی کشور در زمینه خودروسازی حمایت می‌کنند تا اگر روزی تکانه‌های ارزی و تحریم رخ داد کشور در بحث تولید خودرو دچار مشکل نشود. خداوکیلی من از خود آقایان می‌پرسم آیا به راستی نتیجه این حجم از انحصار که ساخته‌اند؛ ایمنی تولید در برابر تحریم‌های دشمن و تکانه‌های ارزی بوده است. جالب است وقتی خودروساز را هم در مجلس دعوت می‌کنیم و مورد پرسش قرار می‌دهیم که چرا درخواست افزایش ۵۰ درصدی قیمت خودرو در این شرایط حساس کشور را داده و بر چه اساسی قیمت برخی محصولات آن تا ۵ میلیارد تومان هم رسیده؛ صراحتاً پاسخ می‌دهد که عمده قطعات مورد استفاده در خودروهایش چه مستقیم و چه غیرمستقیم وارداتی است. پاسخ من به این طنز تلخ این است که پس چرا نام تولیداتتان را خودروی ملی می‌گذارید. خب نامش را خودروی چینی بگذارید تا لااقل این قدر دل مردم نسوزد.

**■ آیا شما و سایر نمایندگان مجلس تاکنون اقدامی در راستای اصلاح وضعیت بازار خودرو انجام داده‌اید؟**

ما سال گذشته اقداماتی در جهت اینکه وضعیت بازار خودرو را اندکی اصلاح کنیم انجام دادیم. اولاً که ما ۲ میلیارد دلار در بودجه ۱۴۰۵ کل کشور مخصوص واردات خودرو قرار دادیم. ثانیاً برای اینکه دولتمردان این بودجه را به سمت واردات خودروهای لوکس نبرند با مسئولان دولتی نشستیم و تعیین کردیم که تعرفه واردات خودروهای اقتصادی باید کاهش یابد و از ۱۰۰ به ۲۰ درصد برسد. البته سازمان برنامه دولت چهاردهم مهم‌ترین مخالف این تصمیم ما بود و استدلال می‌کردند که با این کاهش تعرفه‌ها به درآمد پیش‌بینی شده ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت از تعرفه واردات خودرو آسیب وارد خواهد شد. بنابراین توافق کردیم که در ازای کاهش تعرفه واردات خودروهای اقتصادی، تعرفه واردات خودروهای لوکس را از ۱۰۰ درصد تا بازه بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ درصد بالا ببریم. عدالت هم همین است که هرکس توان مالی سوار شدن به خودروهای لوکسی چون لکسوس را دارد باید تمام و کمال هزینه‌های قانونی آن را هم به دولت بپردازد. درنهایت پس از این تصمیمات، ما نمایندگان مجلس کلی ذوق کردیم که گل بزرگی به ثمر رسانده‌ایم و کلی هم در این باره مصاحبه کردیم. اما درنهایت میان آنچه بر روی کاغذ نوشته بودیم و آنچه دولت در واقعیت اجرا کرد زمین تا آسمان فاصله بود. یعنی دولت به دلیل درآمد بالایی که از واردات خودروهای لوکس عایدش می‌شد درنهایت بخشنامه‌ای صادر کرد که نیمی از ۲ میلیارد دلار مصوب ما از مسیر پیش‌بینی شده منحرف و برای واردات خودروهای لوکس اختصاص یابد. همچنین ۵۰ درصد باقیمانده را نیز میان خودروهای اقتصادی، خودروهای برقی و خودروهای هیبریدی تقسیم و سرشکن کردند. درنهایت یک قرار نانوشته هم میان دولت و بانک مرکزی گذاشته شد که به دلیل تنگنای ارزی بانک مرکزی فقط و فقط خودروهای لوکس به کشور وارد شود تا دولت درآمدزایی کند. این همان سوالی است که دائماً مردم از ما می‌پرسند که آقایان نماینده مجلس، مگر دولت نمی‌گوید که تنگنای ارزی دارد؛ پس چگونه این همه خودروی لوکس در حال وارد شدن به کشور است. افسوس که دولت پزشکیان به قول و قراری که داشتیم پایبند نماند. وگرنه مردم می‌توانستند نهایتاً با ۴ تا ۵ میلیارد تومان یک خودروی اقتصادی باکیفیت و در کلاس جهانی سوار شوند. نه اینکه مجبور باشند برای برخی تولیدات بی‌کیفیت داخلی تا همین حدود پول بپردازند و هیچ رضایتی هم نداشته باشند.

**■ یعنی دولت چهاردهم برخلاف قول و قراری که با مجلس داشت در بحث واردات خودرو به کشور عمل کرد؟**

قصه تلخ این است که در قصه خودرو، دولت میان منافع عمومی مردم و منافع درآمدی خودش، متاسفانه مورد دوم را انتخاب کرده است. این دیگر حرف دشمن، استکبار، آمریکا، جنگ، محاصره یا تحریم نیست. بلکه تصمیمی است که خود دولت اتخاذ کرده و دودش نیز متاسفانه به چشم مردم رفته است. یعنی در شرایطی که مردم از وضعیت صنعت خودرو به شدت گلایه‌مند هستند؛ دولت پزشکیان صرفاً منافع مالی خودش را در نظر گرفته است. قصه تلخ‌تر هم آنکه دولت پزشکیان با استفاده از سازوکار شورای سران قوا، هر آنچه برای کاهش تعرفه واردات خودرو رشته بودیم به یکباره پنبه کرد و به کناری گذاشت. در حالی که سازوکار شورای سران قوا اصلاً قرار نبوده که در چنین مواردی مورد استفاده قرار گیرد. بلکه تدبیر رهبر شهید ما این بود که سران قوا بتوانند آنجایی که مسائل کشور قفل شده؛ قفل‌گشایی کنند. اما آقایان جایگاه سران قوا را در این حد تنزل داده‌اند که تعرفه واردات خودرو چه مقدار تعیین شود. خداوکیلی اصلاً این چه ربطی به سران قوا دارد. حداقل یک کسی باید بیاید و برای مردم عزیز ما در این زمینه توضیح دهد و کمی شفاف‌سازی کند. مگر می‌شود قانون مصوب مجلس را به هیچ انگاشت و به هیچ‌کس هم توضیحی نداد. براساس قانون قرار بوده که تعرفه واردات خودروهای برقی ۴ درصد و خودروهای هیبریدی ۱۵ درصد باشد. برای چه آقایان به نام سازوکار سران قوا این قوانین را سرخود کنار گذاشته‌اند. جالب است که آقایان کاملاً به نفع قشر مرفه و به ضرر قشر ضعیف جامعه تصمیم گرفته‌اند. یعنی تعرفه ۴، ۱۵ و ۲۰ درصدی واردات خودروهای برقی، هیبریدی و اقتصادی را بالا برده و ۱۰۰ درصد کرده‌اند و در عین حال، تعرفه وارداتی خودروهای لوکس را تقریباً نصف کرده‌اند. یعنی ظاهر کار یکسان‌سازی تعرفه واردات اما باطن کار تصمیمی در راستای انتفاع مرفهان است.

**■ استدلال دولت برای تغییر تعرفه واردات خودرو چیست؟**

استدلال مشخصی ندارند و مشکل بنده نیز همین عدم شفافیت است. بعضی وقت‌ها تصمیماتی در کشور گرفته می‌شود که هزاران سوال در ذهن انسان پیش می‌آید که چه کسی کاغذ آن پیشنهادی که تبدیل به تصمیم شده را نوشته و پیش روی آقایان مسئول قرار داده است. در موضوع تغییر تعرفه واردات خودرو از سوی سران قوا، کار به قدری بیخ پیدا کرده که معاون اول رئیس جمهور جناب آقای دکتر عارف هم بیان داشتند کاملاً از این تصمیم بی‌خبر بوده‌اند. چراکه براساس گفته ایشان معمولاً مصوبات سران سه قوه ابتدا از زیردست ایشان به عنوان معاون رئیس جمهور رد شده و نهایی می‌شود. سپس سران قوا همان مطلب و پیشنهاد را به تصویب می‌رسانند. البته آقای عارف به من گفتند که مصوبه عجیب سران قوا درباره تغییر تعرفه واردات خودرو را اصلاً قبول ندارند و برای تغییر آن نامه‌نگاری و پیگیری انجام داده‌اند. اما همه این‌ها را هم کنار بگذاریم من سوالاتی از دولتمردان دارم. آقایان، مگر نمی‌گویید که به دنبال درآمدزایی هستید و دولت پول ندارد. خب چرا آمده‌اید و تعرفه واردات خودروهای لوکس را کاهش داده و از ۱۸۰ به ۱۰۰ درصد رسانده‌اید. اینکه برخلاف ادعای شماست که دولت کسری بودجه دارد و به دنبال درآمدزایی است. از سوی دیگر، مگر رئیس جمهور عزیز ما و سایر دولتمردان دائماً از کمبود بنزین ابراز نگرانی نمی‌کنند. پس چرا تعرفه واردات خودروهای برقی و هیبریدی را تغییر داده‌اند. واقعاً این‌ها سوالاتی است که فکر می‌کنم پاسخ شفاف به آن‌ها از سوی دولتمردان، بتواند کمی همه چیز را برای افکار عمومی شفاف‌تر کند.

**■ آیا اخیراً تصمیمات عجیب دیگری نیز در شورای سران قوا گرفته شده که شما درباره آن نقدی داشته باشید؟**

یک تصمیم عجیب ارزی هم همین ۱۰ تا ۱۵ روز اخیر در شورای سران قوا گرفته شده است. براساس این تصمیم، قرار شده جز موارد بسیار استثنائی هیچ ارزی به واردات اختصاص داده نشود. یعنی برای ۱۰۰ قلم کالای ضروری به مانند دارو ارز ۱۸۶ هزار تومانی که به نام ارز حواله می‌شناسیم داده می‌شود اما ۸ هزار قلم کالای دیگر هیچ ارزی از بانک مرکزی دریافت نخواهند کرد. این ۸ هزار قلم مواردی هستند که اتفاقاً در زندگی روزمره تک‌تک ما نقش و حضور دارند. یعنی هرکسی می‌خواهد نیاز کشور به این ۸ هزار قلم کالا را تأمین کند باید ارز لازم را نه از طریق بانک مرکزی بلکه از هر روش دیگری که می‌تواند تأمین کند. یعنی از طریق ارز صادراتی خودش یا ارز صادراتی دیگران، بازار رسمی و یا بازار غیررسمی، خلاصه به هر طریقی که می‌تواند ارزش را تأمین کند اما بانک مرکزی هیچ حواله‌ای به او نخواهد داد. این مصوبه ارزی شورای سران هم بدعتی بسیار خطرناک و به معنای کنار گذاشتن مجلس در امور کشور است.

**■ لطفاً درباره آثار احتمالی مصوبه ارزی شورای سران قوا توضیح دهید.**

هشدار می‌دهم که شوک سوم ارزی به صورت کاملاً چراغ خاموش آغاز شده است. آقای پزشکیان، شما که مدعی صداقت هستید لطفاً برای مردم توضیح بدهید که دقیقاً چه اتفاقی در زمینه معیشت مردم در نتیجه مصوبه سران قوا رخ خواهد داد. اینکه خودروساز به دنبال افزایش ۵۰ درصدی قیمت است به دلیل همین مصوبه است. چون آقایان به خودروساز گفته‌اند برو و نیاز ارزت را از بازار غیررسمی تهیه کن. بگذارید مثال ساده‌ای برای شما بزنم. چون نهاده‌های دامی جزء ۱۰۰ قلم کالای اساسی است که بانک مرکزی برای آن حواله ارز ۱۸۶ هزار تومانی صادر می‌کند شاید قیمت شیر در آینده نزدیک به خودی خود تغییری نکند اما قیمت بسته‌بندی و پلاستیک آن که شامل تأمین ارز ۱۸۶ هزار تومانی نیست و با ارز ۲۷۰ هزار تومانی تأمین خواهد شد؛ حتماً بالا خواهد رفت. خب این مطلب قطعاً به معنای افزایش قیمت لبنیات است. از سوی دیگر، من به دولت پزشکیان هشدار می‌دهم که مایحتاج زندگی مردم را به ارز غیررسمی فردوسی گره نزنند و ریسک نکنند. چون این ارز امروز ۲۷۰ هزار تومان است اما ممکن است فردا روزی به ۲۸۰ هزار تومان یا نرخ‌های بالاتر هم برسد. بنابراین صلاح نیست دولت در بحث ارزی چنین اقدام خطرناکی را انجام دهد.

**■ دولت پزشکیان اصرار زیادی دارد که همه مشکلات اقتصادی و گرانی‌ها را بر گردن شرایط جنگی و محاصره اقتصادی بیندازد. در این زمینه چه نظری دارید.**

من هم قبول دارم که به دلیل جنگ، تحریم و محاصره، دولت برای اداره کشور به مشکلاتی خورده است. اما نباید همه مشکلات را بر گردن جنگ، محاصره و تحریم انداخت. اخیراً جلسه‌ای با سرپرست وزارت نفت آقای بورد داشتم و ایشان توضیحات کاملی درباره مشکلات فروش نفت دادند. من نیز مشکلات را قبول دارم اما سوال من از دولتمردان این است که آیا همیشه باید راحت‌ترین کار یعنی فشار به مردم را برای جبران کسری بودجه دولت انتخاب کرد. آیا آقایان دولت نمی‌بینند که معیشت مردم چقدر در فشار بوده و وضعیت جیب مردم به چه صورت است. نمی‌شود که تا پول کم می‌آورید فوراً می‌گویید اشکالی ندارد و مبلغی را بر روی قیمت ارز می‌گذارید. ظاهراً دولت فکر می‌کند که مردم تحت هر شرایطی و با هر مشکلی نهایتاً باید خودشان را با شرایط تطبیق دهند. من آشکارا به دولتمردان می‌گویم که خیر ابداً اینطور نیست. همیشه هم قرار نیست چیزی که شما فکر می‌کنید اتفاق بیفتد. قرار نیست شما گران کنید و بر گردن شرایط جنگی بیندازید اما مردم دائماً تحمل کنند. شما همیشه به دنبال ساده‌ترین راه یعنی گرانسازی هستید اما نباید از زیر بار مسئولیت آن هم شانه خالی کنید.

**■ به هر حال دولت حتی اگر بپذیرد که گرانی‌ها نتیجه اقدامات خودش است نهایتاً استدلال خواهد کرد که به دلیل محدودیت منابع ارزی چاره‌ای ندارد. آیا موافقید که منابع ارزی دولت محدودیت دارد؟**



> ■ دولتمردان همیشه آسان‌ترین راه را انتخاب می‌کنند و آن چیزی جز گران‌سازی نیست
>
> ■ دولت میان منافع عمومی مردم و منافع درآمدی خودش، متأسفانه مورد دوم را انتخاب کرده است
>
> ■ شوک سوم ارزی به صورت کاملاً چراغ خاموش آغاز شده است

درباره محدودیت منابع ارزی دولت بنده بحث دارم و بحث بنده هم منطبق بر بیانات ریاست محترم بانک مرکزی جناب آقای دکتر عبدالناصر همتی است. مگر آقای همتی اخیراً نگفتند که منابع ارزی بانک مرکزی در شرایط مناسبی بوده و تا پایان دوران ترامپ کفاف تأمین نیازهای کشور را می‌کند. در پاسخ به عزیزانی که گفته‌های آقای همتی را تبلیغات رسانه‌ای و مقابله با جنگ روانی دشمن قلمداد می‌کنند نیز باید بگویم که ایشان در جلسه خصوصی با ما نمایندگان مجلس هم عیناً همین جملات را تکرار و اعلام داشت که بانک مرکزی منابع ارزی کافی برای مدیریت کشور تا پایان دوران ترامپ را در اختیار دارد. از سوی دیگر، مگر مسئولان بانک مرکزی وقتی نرخ دلار را به ۲۷۰ هزار تومان سوق دادند به یکباره ۲ میلیارد دلار ارز به بازار تزریق نکردند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که الحمدالله ارز به مقدار کافی در کشور داریم و مشکلی از لحاظ تأمین ارز کالاها وجود ندارد. وگرنه بانک مرکزی ریسک تزریق این حجم بالا از ارز به بازار را نمی‌پذیرفت. حال بحث من این است که با وجود همه این توضیحات و استدلالات، اگر دولت باز هم مدعی است که ارز ندارد؛ خب صادقانه با مردم سخن بگوید و اعلام کند که در تنگنای ارزی است. بگوید که مردم نگران نباشید و با وجود تنگنای ارزی ما سیاست‌های حمایتی مناسبی برای شما در نظر گرفته‌ایم و اجازه کوچک شدن سفره‌های شما را نمی‌دهیم.

**■ دلیل اصلی افزایش نرخ ارز را چه می‌دانید؟**

افزایش قیمت ارز ناشی از کسری بودجه دولت است. یعنی دولتمردان با افزایش نرخ ارز به دنبال جبران کسری بودجه هستند. خب استدلال ساده بنده این است که اگر دولت کسری بودجه دارد چرا فکری به حال کاهش هزینه‌هایش نمی‌کند. من از همان سال اول نمایندگی‌ام در مجلس همین بحث را مطرح کرده‌ام. متاسفانه عده‌ای دائماً به ما فشار می‌آورند که در این زمینه‌ها صحبت نکنید اما من معتقدم باید به تاریکخانه‌های دولتی نور شفافیت تاباند. چراکه پول‌های زیادی در آنجا خرج می‌شود. در کنار این مسئله وقتی دولت ۷۰ درصد اقتصاد کشور را در اختیار دارد خب معلوم است که خرجش بالا خواهد زد. مگر ما در مجلس به دولتی‌ها اختیار مولدسازی را نداده‌ایم. چرا مولدسازی عملاً متوقف مانده و کاری نمی‌شود تا دولت خودش را از این همه قید و بند رها کند و چابک شود. دولت ما الآن مثل یک بالنی است که قصد ندارد وزنه‌هایش را رها و پرواز کند. تا زمانی که دولتی‌ها به دنبال راه برون‌رفت واقعی از این شرایط نباشند و بخواهند دائماً با گرانسازی ارز مشکلاتی چون کسری بودجه را حل کنند وضعیت اقتصاد هر روز بدتر خواهد شد. من صراحتاً می‌گویم و تاکید دارم که وزنه‌هایی که دولت بر دوش مردم گذاشته تا یک جایی قابل تحمل است و بیش از این نباید از مردم توقع داشت که تحمل کرده و خودشان را با شرایط تطبیق دهند. در دی ماه ۱۴۰۴ مگر چه اتفاقی افتاد. بله صد البته که دشمن در آن کودتا وارد میدان شده بود اما این خود ما بودیم که با مدیریت غلط ارزی، بخشی از جامعه را به سمت تشنج سوق دادیم. فراموش نکنید همانگونه که رهبر شهید ما فرموده‌اند دشمنان مانند مگس‌هایی هستند که به دنبال زخم‌های باز می‌گردند. خب سوال من این است که چه کسی یا کسانی زخم‌ها را باز کرده‌اند.

**■ برخی اظهارنظرهای دولتمردان، حس بی‌اطلاعی آن‌ها از وضعیت معیشتی مردم را به جامعه منتقل می‌کند. در این زمینه چه نظری دارید؟**

یکی از مشکلات دولت‌های ما این است که مسئولانشان از واقعیت‌های جامعه فاصله دارند. به عنوان مثال وزرا را در نظر بگیرید. وقتی طرف وزیر می‌شود عملاً او را از کف جامعه و واقعیت‌های جاری در میان مردم جداسازی می‌کنند. ماشین و محافظ در اختیار اوست. هیچ‌گاه در صف بنزین نمی‌ایستد. دغدغه‌ای به نام کالابرگ ندارد. همچنین هیچ درکی ندارد که قسط عقب‌افتاده می‌تواند چه بلایی بر سر یک نفر بیاورد. از انواع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم روزانه هم بی‌خبر است. نهایتاً اطرافیانش یک ملاقات مردمی برای او ترتیب می‌دهند که در اکثر مواقع همان هم با افراد متمول و سرمایه‌دار است. بنابراین چون از همه چیز بی‌خبر می‌شود منتقدان را هم پوپولیست می‌داند و چندان به دنبال شنیدن سخنان نمایندگان مجلس و رسانه‌های منتقد نیست. آقایان دولت، به عنوان نماینده مردم در مجلس می‌گویم که حال مردم خوب نیست. مردم را دریابید. فکری کنید و این رهاشدگی اقتصادی را چاره کنید.

**■ به دلیل عملکرد عجیب و ضعیف بانک مرکزی در یک سال اخیر، طرح تحقیق و تفحصی از این مجموعه در مجلس شورای اسلامی به جریان افتاده بود. لطفاً بفرمایید که سرانجام این تحقیق و تفحص به کجا رسیده است؟**

تحقیق و تفحصی درباره عملکرد بانک مرکزی در مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. اما متاسفانه جناب آقای همتی با وجود دعوتنامه رسمی که برای ایشان ارسال کرده بودیم حاضر نشدند تا در کمیسیون اقتصادی مجلس حاضر شده و به سوالات و ابهامات ما نمایندگان مردم پاسخ دهند. من معتقدم دلیل این بی‌احترامی ایشان به جایگاه مجلس شورای اسلامی و نمایندگان این است که برخی آقایان جایگاه مجلس را به شدت ضعیف کرده و تنزل داده‌اند. لذا یک مسئول به خودش اجازه می‌دهد که با وجود دعوتنامه رسمی به مجلس نیاید. چراکه مطمئن است هیچ اتفاقی برای جایگاه او نخواهد افتاد. من هشدار می‌دهم که تضعیف جایگاه مجلس به معنای تضعیف ارتباط میان مردم و حاکمیت خواهد بود و ممکن است زمینه سوءاستفاده دشمن را فراهم کند.

**■ شما در توضیحاتتان به جایگاه شورای سران قوا در اندیشه رهبری شهید اشاره فرمودید. لطفاً درباره این جایگاه بیشتر توضیح دهید.**

اگر ما واقعاً به دنبال اصلاح ساختاری اقتصاد کشور هستیم باید به دو نکته دقت کنیم. نخست اینکه قرار نیست صرفاً با تغییر وزرا معجزه اتفاق بیفتد. دوم اینکه برای تمام مشکلات کشور، راهکارهای ساختاری و دقیق وجود دارد اما شب بودجه‌نویسی وقت اصلاح ساختاری نیست. توجه کنید که الآن در آبان ماه، دولت قرار است از دستگاه‌های گوناگون اجرایی برنامه‌هایشان را مطالبه و نتیجه جمع‌بندی شده را در آذر و دی ماه به عنوان لایحه بودجه ۱۴۰۶ در اختیار مجلس قرار دهد. ما هم در مجلس فقط ۳۰ روز فرصت بررسی و تصویب داریم. بنابراین نمی‌توانیم اصلاحات ساختاری مهمی در مسائل کشور انجام دهیم. اما اگر از فروردین ۱۴۰۶ و به واسطه گفت‌وگوی سه قوه تحت نظارت شورای سران قوا برای مشکلات کشور راه‌حل‌های ساختاری ارائه دهیم؛ آنگاه می‌توان تا حدودی به تغییر شرایط امیدوار بود. شورای سران قوا در نگاه رهبری شهید دقیقاً چنین جایگاهی داشت و باید برای مسائل کلان و ساختاری کشور وارد میدان شود. چراکه اگر مثلاً قرار باشد برخی ردیف‌های بودجه بی‌بازده هم حذف شود با وجود مصوبه سران قوا، دیگر هیچ شخص حقیقی و حقوقی را یارای مقاومت و اعتراض نخواهد بود.

**■ شما به لزوم تاباندن نور شفافیت به تاریکخانه‌های دولت اشاره کردید. درباره مجموعه شستا، سوالات بسیاری در ذهن عموم مردم است. نظر شما به عنوان نماینده مجلس در این زمینه چیست؟**

مباحث بسیاری در این زمینه وجود دارد. به عنوان مثال، اینکه ۱۵۰۰ میلیارد تومان در دوره اخیر مدیریتی هلدینگ شستا صرفاً هزینه‌های تبلیغاتی شده جای بررسی و نظارت دقیق دارد. معتقدم که باید وزیر رفاه را به مجلس شورای اسلامی فرابخوانیم و در این زمینه از او توضیح بخواهیم. چنین مسئله‌ای در شرایطی که مردم دچار فشارهای اقتصادی هستند اصلاً قابل پذیرش نیست. باید پاسخ داده شود چگونه هزینه تبلیغاتی شستا که در سال ۱۴۰۰ معادل ۱۶۹ میلیارد تومان بوده به یکباره در ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ به بالای ۷۰۰ میلیارد تومان رسیده است. صورت‌های مالی شستا جای بررسی دقیق دارد و مطمئن باشید ما ذره‌ای از حقوق مردم کوتاه نخواهیم آمد.

**■ درباره گرانی اینترنت و وضعیت سرعت و کیفیت آن بحث بسیاری در میان مردم وجود دارد. در این زمینه چه نظری دارید؟**

من هم نسبت به وضعیت اینترنت کشور انتقاداتی دارم. مردم عزیز ما هم نسبت افزایش ۴۰ درصدی اخیر نرخ اینترنت معترضند. اما اگر نخواهیم خارج از فضای واقعیت صحبت کنیم باید بگوییم که مقصر اصلی این مسئله هم بانک مرکزی است. چراکه همه زیرساخت‌های اینترنت از جمله همان باتری‌هایی که در فصل تابستان با وجود قطعی‌های برق پایداری شبکه را حفظ می‌کردند همگی وارداتی هستند. وقتی بانک مرکزی ما بازار ارز را عملاً به حال خودش رها کرده؛ ما که نمی‌توانیم یکسویه اپراتورها را محکوم کنیم. این هم همان بحث بنده درباره عملکرد افتضاح بانک مرکزی در بازار ارز است و از شما دعوت می‌کنم تا به دقت نظاره کنید که رهاسازی بازار ارز کشور می‌تواند چه تبعاتی منفی گسترده‌ای بر تمامی جنبه‌های زندگی افراد داشته باشد. از سوی دیگر، با این حجم از پروکسی، وی‌پی‌ان، فیلترشکن و انواع راه‌های دور زدن فیلترینگ که در کشور وجود دارد معلوم است که حجم اینترنت به سرعت مصرف شده و هزینه‌های اضافی به جیب مردم تحمیل می‌شود. این دو مورد یعنی رهاسازی بازار ارز و فیلترینگ مسائلی هستند که حاکمیت اقتصادی و حاکمیت فضای مجازی به مردم ما تحمیل کرده و هزینه‌های اینترنت را بالا برده‌اند. اما یک نکته دیگری هم وجود دارد. قرار ما با اپراتورها و خدمات‌دهنده‌های اینترنت در کشور این بوده که هر نوع افزایش قیمت، باید در برابر افزایش کیفیت باشد. این در حالی است که به خصوص در شهرهای بزرگ، ما این مسئله را نمی‌بینیم و سرعت و کیفیت اینترنت وضعیت خوبی ندارد و بسیار بد است.

**■ مردم در اثر افزایش وحشتناک قیمت لوازم خانگی به شدت در فشار قرار گرفته‌اند. آیا فکر می‌کنید که بازار لوازم خانگی ایران، انحصاری است؟**

اتفاقات حوزه لوازم خانگی ما هم تبدیل به قصه تلخ تکرار سرنوشت حوزه خودروسازی ایران شده است. با سیاست‌های غلط، کار را به جایی رسانده‌ایم که در یک بازار انحصاری، یخچال ایرانی زیر ۱۵۰ میلیون تومان پیدا نمی‌شود. تا امثال بنده هم حق مردم را فریاد می‌زنیم؛ حامیان انحصار می‌گویند شما دشمن تولید ملی هستید. جالب است که به مانند خودروسازی، در لوازم خانگی هم عمده قطعات استفاده شده در محصولات نهایی وارداتی هستند اما آقایان به دروغ نام آن را تولید ملی گذاشته‌اند. در بازار انحصاری لوازم خانگی به مانند بازار انحصاری خودرو عده‌ای سودجو در حال کاسبی هستند. حتی گزارشی به ما رسیده که یکی از این آقایان ظاهراً تولیدکننده لوازم خانگی داخلی، در حال قاچاق لوازم خانگی خارجی به داخل کشور است.

## برش

### ■ مهم‌ترین انتقاد شما به عملکرد بانک مرکزی و ریاست آن چیست؟

وظیفه بانک مرکزی مدیریت مسائل پولی و ارزی کشور است. متاسفانه با نحوه مدیریت فعلی در بانک مرکزی ما در حوزه پولی کشور به دلیل سیاست دولت هیچ چشم‌انداز روشنی نداریم. ما اصلاً نمی‌دانیم بانک مرکزی دارد چه می‌کند و متاسفانه بانک مرکزی به بسیاری از وظایف قانونی که دارد جامه عمل نمی‌پوشاند. منفی‌ترین نکته درباره بانک مرکزی هم این است که ریاست آن یک شخصیت کاملاً سیاسی است و از این رو حتی در برابر انتقادات دلسوزانه هم گارد و جبهه می‌گیرد. متاسفانه آقای همتی همه چیز را با عینک سیاسی نگاه می‌کند. مثلاً تا می‌گوییم که چرا نرخ بهره را افزایش نمی‌دهید فوراً می‌گویند که شما ظاهراً با دولت مشکل دارید. یا هرگاه که می‌گوییم نرخ ارز چرا این قدر افزایش پیدا کرده؛ پاسخ می‌دهند که این‌ها موضوعات پوپولیستی است و شما پوپولیست هستید. یعنی آقایان سفت و سخت معتقدند که ارز باید افزایش قیمت پیدا کند و اصلاً نباید جلوی افزایش وحشتناک قیمت ارز را بگیریم. بله من هم با سرکوب ارزی مخالفم اما با این وضعیت که بانک مرکزی ارز را پرواز می‌دهد هم مخالفم. آقای همتی به خود بیایید. آخر این دیگر چه نوع مدیریت شناور ارزی است.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

■ یکشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵ ■ ۵ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■ ۱۵ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۷

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

اخبار



## افزایش ۳۵ درصدی حقوق با نرخ تورم تناسبی ندارد

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با تأکید بر اینکه افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارکنان دولت در سال ۱۴۰۶ پاسخگوی هزینه‌های معیشتی آنها نیست، گفت: حقوق کارمندان باید متناسب با نرخ تورم و با در نظرگرفتن توان مالی دولت افزایش یابد و میزان رشد حقوق بازنشستگان نیز باید به مراتب بیشتر از درصدهای پیش‌بینی شده باشد.

الهام آزاد در واکنش به پیش‌بینی متوسط افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارکنان دولت به‌صورت پلکانی در سال آینده، گفت: این میزان افزایش حقوق کفاف هزینه‌های معیشتی کارکنان دولت را نمی‌دهد و با توجه به شرایط اقتصادی و تورم موجود، نیازمند بازنگری است.

نماینده مردم نایین، خور و بیابانک در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه البته در تعیین میزان افزایش حقوق باید هم توان مالی دولت و هم وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، به‌ویژه کارمندان، مورد توجه قرار گیرد، افزود: به نظر من افزایش ۳۵ درصدی حقوق در سال ۱۴۰۶، براساس پیش‌بینی دولت، با نرخ تورم فعلی کشور تناسب ندارد و لازم است در این زمینه تجدید نظر شود تا میزان افزایش حقوق دست‌کم به نرخ تورم نزدیک باشد.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با تأکید بر ضرورت تقویت قدرت اقتصادی خانوارها، تصریح کرد: منظور ما این نیست که الزاماً افزایش حقوق به اندازه نرخ تورم باشد، اما باید به این نرخ نزدیک شود تا قدرت اقتصادی خانواده‌ها افزایش یابد و بتوانند از سطحی از رفاه و معیشت نسبی برخوردار شوند. وی با بیان اینکه در تصمیم‌گیری درباره افزایش حقوق سال آینده باید همه جوانب در نظر گرفته شود، ادامه داد: لازم است درآمدها و توان مالی دولت به‌دقت بررسی شود و در کنار آن، وضعیت معیشتی کارگران، کارمندان و بازنشستگان نیز مورد توجه قرار گیرد تا تصمیم نهایی بتواند پاسخگوی نیازهای این اقشار باشد. آزاد در ادامه با اشاره به شرایط معیشتی بازنشستگان، تأکید کرد: یکی از موضوعات مهم در سال آینده، تعیین میزان افزایش حقوق بازنشستگان است که به اعتقاد من باید درصد افزایش حقوق این قشر به‌مراتب بیشتر از ارقام مطرح شده باشد؛ چراکه دریافتی فعلی بسیاری از بازنشستگان بسیار ناچیز است و حتی افزایش‌های ۲۰ یا ۴۰ درصدی نیز نمی‌تواند به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای معیشتی آنان باشد. این نماینده مجلس شورای اسلامی در پایان خاطرنشان کرد: امیدواریم با اتخاذ سازوکارهای مناسب و در نظرگرفتن هم‌زمان توان مالی دولت و نرخ تورم، زمینه افزایش مناسب حقوق در سال آینده فراهم شود تا ضمن رعایت ملاحظات منابع و مصارف دولت، وضعیت معیشتی حقوق‌بگیران نیز بهبود یابد.

## حقوق‌ها با تورم همخوانی ندارد

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: حقوق‌ها با تورم همخوانی ندارد. احمد انارکی محمدی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از وضعیت معیشتی کارمندان و کارگران و بازنشستگان گفت: امروز قشر کارمند به یکی از ضعیف‌ترین اقشار جامعه تبدیل شده و حقوق‌های پرداختی هیچ تناسبی با نرخ تورم ندارد.

وی افزود: اگر تورم ۸۰ درصدی را مبنا قرار دهیم، افزایش حقوق‌ها بسیار کمتر از این رقم بوده است. سال گذشته کارمندان به دولت اعتماد کردند، اما امروز حتی از سفر و تفریحات و... خود می‌گذرند و در تأمین نیازهای اساسی درمانده‌اند.

این نماینده مجلس با اشاره به لزوم هماهنگی افزایش حقوق با قیمت‌ها تصریح کرد: وقتی قیمت‌ها چند برابر می‌شود، با کدام حقوق می‌توان زندگی کرد؟ تجربه نشان داده قیمت‌ها خود را با بازار ارز تنظیم می‌کنند و دستوری قابل کنترل نیستند. کارمند، کارگر و بازنشسته حقوق ثابت دارند که ابتدای سال تعیین می‌شود و بعد از آن چند بار افزایش می‌یابد، در حالی که قیمت‌ها پرواز می‌کنند. وی با بیان اینکه ۷۵ درصد کل حقوق‌بگیران کشور زیر ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرند، اظهار داشت: برخی شرکت‌ها با استناد به قانون تجارت حقوق‌های چند برابری پرداخت می‌کنند، اما در میان کارمندان دولت وضعیت متفاوت است. این نماینده مجلس درباره منابع تأمین افزایش حقوق گفت: دولت باید از محل صرفه‌جویی، حذف هزینه‌های غیرضروری، مولدسازی دارایی‌ها و درآمدهای مالیاتی از جمله مالیات بر خانه‌های گران‌قیمت منابع لازم را تأمین کند. حتی اگر درآمد نفتی را کنار بگذاریم، ظرفیت‌های مالیاتی وجود دارد. وی در پایان تأکید کرد: انتظار مردم و جامعه این است که وضعیت این قشر حقوق بگیر ثابت، هرچه سریع‌تر ساماندهی شود.

## پاداش ۱۰۴ میلیارد تومانی به مدیران شرکت‌های زیان‌ده

احمد بیگدلی با اشاره به اینکه طبق گزارش سازمان بازرسی، در سال ۱۴۰۴ مبلغ ۱۰۴ میلیارد تومان پاداش به مدیران شرکت‌های زیان‌ده پرداخت شده است؛ گفت: امروز مردم با مشکلات اقتصادی، تورم و کاهش قدرت خرید مواجه‌اند؛ بنابراین پذیرفتنی نیست که منابع و دارایی‌های عمومی در شرکت‌های ناکارآمد هدر برود، اما مدیران این مجموعه‌ها همچنان از پاداش‌های قابل توجه برخوردار باشند. احمد بیگدلی، نماینده مردم خدابنده و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با اشاره به صحبت‌های روز گذشته رئیس سازمان بازرسی مبنی بر اینکه برابر مستندات به‌دست‌آمده، در سال ۱۴۰۴ مبلغ ۱۰۴ میلیارد تومان پاداش به اعضای هیات‌مدیره و مدیران عامل شرکت‌های زیان‌ده دولتی و وابسته به دولت پرداخت شده است؛ گفت: آمارهای اعلام‌شده از سوی سازمان بازرسی بسیار نگران‌کننده است. وقتی از مجموع ۶۸۰ شرکت دولتی و وابسته به دولت، ۲۷۷ شرکت زیان‌ده هستند و مجموع زیان خالص آن‌ها به بیش از ۱۰۹۹ همت رسیده و در عین حال ۳۷۲ شرکت نیز ۲۵۸۴ همت زیان انباشته دارند، نمی‌توان به‌سادگی از کنار این ارقام عبور کرد. عضو کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: سؤال جدی اینجاست که چگونه ممکن است شرکتی با عملکرد زیان‌ده، همچنان به مدیران و اعضای هیات‌مدیره خود پاداش پرداخت کند؟ طبق گزارش سازمان بازرسی، در سال ۱۴۰۴ مبلغ ۱۰۴ میلیارد تومان پاداش به مدیران شرکت‌های زیان‌ده پرداخت شده است. فارغ از اینکه این پرداخت‌ها از نظر حقوقی قانونی بوده یا خیر، اصل موضوع از منظر عدالت، بهره‌وری و مسئولیت‌پذیری مدیریتی نیازمند بررسی جدی است. بیگدلی گفت: امروز مردم با مشکلات اقتصادی، تورم و کاهش قدرت خرید مواجه‌اند؛ بنابراین پذیرفتنی نیست که منابع و دارایی‌های عمومی در شرکت‌های ناکارآمد هدر برود، اما مدیران این مجموعه‌ها همچنان از پاداش‌های قابل توجه برخوردار باشند.



گزارش

# بازی تصاحب ایران خودرو توسط یک قطعه‌ساز کلید خورد

واگذاری ۵.۳ همتی سهام سپهر کیش ایرانیان به بهمن موتور، در حالی به یکی از بحث‌برانگیزترین معاملات بازار سرمایه و صنعت خودرو تبدیل شده که ابهامات حقوقی، سهامداری‌های تودلی و خرید سهام فاقد حق رأی، این پرونده را به کانون توجه نهادهای نظارتی و مجلس رسانده است.

معامله ۵.۳ همتی واگذاری ۲۰ درصد از سهام شرکت سپهر کیش ایرانیان به بهمن موتور، به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در بازار سرمایه و صنعت خودرو تبدیل شده است؛ معامله‌ای که اهمیت آن صرفاً به ارزش مالی واگذاری محدود نمی‌شود، بلکه به دلیل جایگاه سپهر کیش در ساختار سهامداری ایران خودرو، ابعاد مدیریتی، حقوقی و نظارتی گسترده‌ای پیدا کرده است.

اهمیت این واگذاری زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم سپهر کیش ایرانیان مالک حدود ۱۰.۳۲ درصد از سهام ایران خودرو است. بر اساس ترکیب سهامداری اعلام‌شده، با انتقال ۲۰ درصد از سهام سپهر کیش به بهمن موتور، مجموع سهم کروز و بهمن موتور در خود شرکت سپهر کیش به حدود ۵۱.۷۵ درصد می‌رسد. با توجه به مالکیت ۷۰ درصدی کروز در بهمن موتور، این معامله می‌تواند زمینه تقویت کنترل مدیریتی مجموعه کروز بر سپهر کیش را فراهم کند؛ موضوعی که به دلیل جایگاه این شرکت در ساختار سهامداری ایران خودرو، از منظر موازنه قدرت و مدیریت این خودروساز اهمیت ویژه‌ای دارد.

### کلاف سردرگم سهامداری و ابهامات پیرامون ارزش‌گذاری

سازمان بورس و اوراق بهادار با ورود به این پرونده، مجموعه‌ای از ابهامات حقوقی و مالی را درباره فرآیند واگذاری مطرح کرده است. از جمله این موارد می‌توان به وضعیت حقوقی سهام خزانه، آثار آرای قطعی دادگاه تجدیدنظر درباره سلب حق رأی، فاصله زمانی حدود ۹ ماهه میان اعلام نتایج مزایده و امضای نهایی قرارداد و همچنین تناسب این سرمایه‌گذاری با زمینه فعالیت و ساختار اقتصادی خریدار اشاره کرد.

در این میان، اختلاف تنها یک ریالی پیشنهاد برنده با قیمت پایه نیز به یکی از محورهای انتقاد تبدیل شده است. هرچند این موضوع به‌تنهایی اثبات‌کننده تخلف یا تضییع حقوق سهامداران نیست، اما در کنار محدود بودن رقابت احتمالی در فرآیند مزایده، پرسش‌هایی درباره میزان رقابت، سازوکار کشف قیمت و چگونگی صیانت از منافع ذی‌نفعان ایجاد کرده است.

از سوی دیگر، فروشنده این بلوک سهام، تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو است؛ موضوعی که حساسیت اجتماعی و اقتصادی معامله را افزایش می‌دهد. با توجه به تعداد قابل توجه کارکنان و بازنشستگان مرتبط با این تعاونی، شفافیت در فرآیند واگذاری و اطمینان از رعایت منافع اعضا اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، صرف اعلام انجام معامله برای رفع ابهامات کافی نیست و جزئیات مربوط به قیمت‌گذاری، مبانی تصمیم‌گیری و نحوه حفظ منافع ذی‌نفعان باید به‌صورت روشن در دسترس قرار گیرد.

### ایران خودرو و مسئول مستقیم فرآیند واگذاری نیست

در سوی دیگر ماجرا، مدیران ایران خودرو در پاسخ به ابهامات مطرح‌شده از سوی نهاد ناظر، بر استقلال حقوقی تعاونی خاص کارکنان و شرکت سپهر کیش ایرانیان تأکید کرده‌اند.

بر اساس موضع رسمی ایران خودرو، تعاونی خاص کارکنان از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار است و شرکت سپهر کیش نیز تحت کنترل مستقیم این خودروساز قرار ندارد. از این منظر، فرآیند تصمیم‌گیری درباره فروش سهام، تعیین قیمت و انعقاد قرارداد واگذاری در حوزه مسئولیت مستقیم ایران خودرو قرار نمی‌گیرد.

ایران خودرو همچنین با اشاره به اختلافات حقوقی و قضایی پیرامون ماهیت سهام خزانه و آثار حقوقی آن، تعیین تکلیف این موضوع را در چارچوب قوانین و از مسیر مراجع ذی‌صلاح قابل پیگیری می‌داند.

این موضع درواقع بر تفکیک شخصیت‌های حقوقی و حدود اختیارات مدیریتی تأکید دارد؛ با این حال، استقلال حقوقی فروشنده و شرکت موضوع معامله، لزوماً به معنای منتفی بودن آثار اقتصادی و مدیریتی این واگذاری بر ساختار سهامداری ایران خودرو نیست. به همین دلیل، بررسی آثار معامله باید مستقل از بحث مسئولیت مستقیم ایران خودرو در فرآیند فروش دنبال شود.

### انتقال مالکیت یا جابه‌جایی قدرت مدیریتی؟

آنچه این معامله را از یک واگذاری معمولی متمایز می‌کند، پیامدهای احتمالی آن بر موازنه قدرت در ساختار سهامداری ایران خودرو است. سپهر کیش با در اختیار داشتن حدود ۱۰.۳۲ درصد از سهام این خودروساز، یکی از بازیگران مهم در ترکیب سهامداری آن محسوب می‌شود. بنابراین، تغییر ترکیب سهامداران سپهر کیش و احتمال انتقال کنترل مدیریتی این شرکت به مجموعه کروز، می‌تواند بر آرایش سهامداری و مناسبات مدیریتی ایران خودرو اثرگذار باشد.

البته باید میان مالکیت مستقیم سهام ایران خودرو و کنترل غیرمستقیم از مسیر شرکت‌های واسطه تفاوت قائل شد. رسیدن مجموع سهم کروز و بهمن موتور به حدود ۵۱.۷۵ درصد، مربوط به مالکیت آن‌ها در سپهر کیش است و به معنای مالکیت مستقیم بیش از ۵۱ درصد ایران خودرو نیست. با این حال، همین تغییر در سطح شرکت واسطه نیز می‌تواند از منظر اعمال نفوذ و مدیریت دارایی‌های تحت مالکیت سپهر کیش اهمیت قابل توجهی داشته باشد.

پرونده واگذاری سپهر کیش به بهمن موتور را نمی‌توان صرفاً با دوگانه تأیید یا رد معامله تحلیل کرد. این پرونده در نقطه تلاقی منافع اقتصادی، حقوق سهامداران، ملاحظات کارگری، مقررات بازار سرمایه و پیچیدگی‌های ساختار مالکیت شرکت‌های خودروسازی قرار گرفته است. از یک سو، پرسش‌های سازمان بورس درباره وضعیت سهام خزانه، آثار احکام قضایی، فرآیند مزایده و مبانی قیمت‌گذاری نیازمند پاسخ‌های مستند و شفاف است. از سوی دیگر، دفاعیات ایران خودرو درباره استقلال شخصیت حقوقی فروشنده و حدود مسئولیت مدیریتی این شرکت نیز باید در چارچوب اسناد و مقررات مربوط بررسی شود.

درنهایت، تعیین تکلیف این پرونده بیش از هر چیز به انتشار مستندات کامل معامله، تشریح مبانی ارزش‌گذاری، روشن شدن وضعیت حقوقی سهام و تبیین آثار آرای قضایی بر حق رأی و کنترل مدیریتی وابسته است.

آنچه اهمیت دارد، نه پیش‌داوری درباره قانونی یا غیرقانونی بودن معامله، بلکه اطمینان از رعایت حقوق تمامی ذی‌نفعان، شفافیت در فرآیند واگذاری و پاسخگویی نهادهای مسئول است؛ چراکه در معامله‌ای با چنین ابعاد و پیامدهایی، شفافیت نه یک مطالبه فرعی، بلکه شرط اساسی اعتماد عمومی به بازار سرمایه و ساختار حکمرانی صنعت خودرو محسوب می‌شود.

### استارت تحقیق و تفحص مجلس از معامله سپهر کیش

در همین راستا، مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، از آغاز تدوین طرح تحقیق و تفحص از عملکرد ایران خودرو خبر داد و تأکید کرد که ابهامات مربوط به سهامداری‌های تودلی، واگذاری سهام سپهر کیش ایرانیان و احتمال تقویت انحصار در این خودروساز باید به‌صورت دقیق بررسی شود.

وی با انتقاد از تحولات اخیر در ساختار سهامداری ایران خودرو، تصریح کرد که سهام این شرکت متعلق به مردم است و حمایت‌های چندین ساله از صنعت خودروسازی با هدف توسعه تولید داخلی انجام شده، اما اکنون برخی تحرکات سهامداری این نگرانی را ایجاد کرده که یک مجموعه به دنبال در اختیار گرفتن انحصار کامل این خودروساز باشد.

پوردهقان با اشاره به خرید سهام سپهر کیش ایرانیان از سوی بهمن موتور، این معامله را دارای ابهام دانست و اظهار کرد که بر اساس گزارش ارائه‌شده به مجلس، این سهام به دلیل خزانه بودن فاقد حق رأی است؛ بنابراین اصرار بر خرید آن و تلاش برای در اختیار گرفتن بخش عمده سهام بدون حق رأی، نیازمند بررسی دقیق است و در صورت شکل‌گیری لابی برای ایجاد حق رأی، دستگاه‌های نظارتی و به‌ویژه دستگاه قضایی باید به موضوع ورود کنند.

این عضو کمیسیون صنایع و معادن افزود که در طرح تحقیق و تفحص، نحوه شکل‌گیری سهام‌های تودلی، ابعاد واگذاری‌ها و همچنین زمان و مبنای قیمت‌گذاری سهام سپهر کیش ایرانیان بررسی خواهد شد تا مشخص شود این واگذاری‌ها با چه سازوکار و اهدافی انجام شده‌اند.

**پرونده واگذاری سپهر کیش به بهمن موتور را نمی‌توان صرفاً با دوگانه تأیید یا رد معامله تحلیل کرد. این پرونده در نقطه تلاقی منافع اقتصادی، حقوق سهامداران، ملاحظات کارگری، مقررات بازار سرمایه و پیچیدگی‌های ساختار مالکیت شرکت‌های خودروسازی قرار گرفته است**

از کمبود نقدینگی تا ضعف زیرساخت‌ها؛

# گره‌های تولید در شهرک‌های صنعتی

شهرک‌های صنعتی با چالش‌هایی چون کمبود نقدینگی، فرسودگی زیرساخت‌ها و رکود واحدهای تولیدی روبه‌رو هستند؛ متولیان نیز از برنامه‌هایی برای تأمین مالی، احیا و توسعه صنایع کوچک خبر داده‌اند.

شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور با وجود سهم قابل توجه در ایجاد اشتغال و توسعه تولید، با مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری و مالی مواجه‌اند. کمبود نقدینگی، دشواری تأمین مواد اولیه، محدودیت منابع بانکی و فرسودگی زیرساخت‌ها از جمله عواملی هستند که فعالیت بخشی از واحدهای مستقر در این مجموعه‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، از بیش از ۵۲ هزار واحد صنعتی به بهره‌برداری رسیده در شهرک‌ها و نواحی صنعتی، حدود ۶ هزار و ۵۸۹ واحد غیرفعال هستند. به این ترتیب نزدیک به ۱۳ درصد واحدهای مستقر در این مجموعه‌ها از چرخه فعالیت خارج شده‌اند. همچنین کمبود نقدینگی از مهم‌ترین دلایل تعطیلی این بنگاه‌ها عنوان شده است.

این وضعیت در حالی است که شهرک‌های صنعتی علاوه بر تأمین بستر استقرار صنایع، نقش مهمی در اشتغال منطقه‌ای و زنجیره تأمین تولید دارند. بنابراین حفظ ظرفیت واحدهای موجود و بازگرداندن بنگاه‌های تعطیل به چرخه تولید، به اندازه ایجاد شهرک‌های جدید اهمیت دارد.

طهمورث لاهوتی اشکوری، معاون وزیر صمت و مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، با اشاره به شرایط فعالیت بنگاه‌های صنعتی، حفظ سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده و تداوم تولید را از اولویت‌های فعلی دانست و تأکید کرد: شرایط فعلی کشور عادی نیست و با وجود محدودیت‌ها، تحریم‌ها و مشکلات موجود، اولویت اصلی باید حفظ سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، تداوم فعالیت واحدهای صنعتی و عبور از بحران باشد.

### تأمین مالی؛ مهم‌ترین مطالبه صنایع کوچک

یکی از محورهای اصلی برنامه‌های حمایتی وزارت صمت، تسهیل دسترسی واحدهای کوچک و متوسط به منابع مالی است. در این زمینه صندوق حمایت از سرمایه‌گذاری صنایع کوچک امکان پرداخت تسهیلات تا سقف پنج میلیارد تومان و صدور ضمانت‌نامه تا سقف ۱۰ میلیارد تومان را برای واحدهای مشمول فراهم کرده است.

این ضمانت‌نامه‌ها به‌ویژه برای بنگاه‌هایی کاربرد دارد که به دلیل تأخیر در وصول مطالبات، برای خرید مواد اولیه و تأمین سرمایه در گردش با مشکل مواجه شده‌اند. همچنین برای کاهش موانع تأمین وثیقه، محل اجرای طرح، قرارداد یا دفترچه واگذاری زمین، سند مالکیت و حتی خودروی متعلق به سرمایه‌گذار می‌تواند در چارچوب ضوابط صندوق مورد استفاده قرار گیرد. در کنار این ظرفیت، صندوق حمایت از صنایع پیشرفته و فناوری‌محور نیز برای توسعه فناوری، نوسازی تکنولوژی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان فعالیت می‌کند. طرح نوان نیز از دیگر ابزارهای حمایتی معرفی‌شده برای تأمین مالی بنگاه‌های صنعتی است.

با این حال، مهم‌ترین برنامه مالی مطرح‌شده برای صنایع کوچک و متوسط، پیگیری اختصاص خط اعتباری ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی از طریق بانک مرکزی است. لاهوتی در این خصوص گفت: با پیگیری‌های انجام‌شده، موضوع اختصاص خط اعتباری از طریق بانک مرکزی به ارزش ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط کشور مطرح شده است. به گفته او، بر اساس برنامه پیشنهادی، این منابع در چهار محور تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، تأمین سرمایه در گردش واحدهای فعال، حمایت از خوشه‌های کسب‌وکار و توسعه فناوری و ارتقای تکنولوژی هزینه خواهد شد. حمایت از واحدهای کوچک و متوسط آسیب‌دیده نیز در این برنامه پیش‌بینی شده است.

البته اثربخشی این خط اعتباری به نهایی شدن سازوکار اجرایی، زمان تخصیص منابع و شرایط دسترسی بنگاه‌ها بستگی دارد؛ چراکه برای واحدهای تولیدی، سرعت تأمین مالی و امکان استفاده از منابع به اندازه اصل اعتبار اهمیت دارد.

### فرسودگی زیرساخت‌ها؛ چالش فراتر از توان مالی شهرک‌ها

در کنار مشکلات واحدهای تولیدی، تأمین منابع برای نگهداری و بازسازی زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی نیز به یکی از مسائل جدی این بخش تبدیل شده است. شبکه‌های آب، برق، گاز، فاضلاب، راه‌های دسترسی و خدمات ایمنی برای تداوم فعالیت صنایع ضروری هستند، اما شرکت‌های خدماتی شهرک‌ها با محدودیت منابع مالی برای نوسازی این تأسیسات مواجه‌اند.

لاهوتی با اشاره به محدودیت اعتبارات دولتی، از ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین و ایجاد منابع پایدار خبر داد و گفت: یکی از این پیشنهادها اختصاص بخشی از مالیات بر ارزش افزوده به شرکت‌های خدماتی شهرک‌های صنعتی برای بازسازی و نوسازی زیرساخت‌هاست

یکی از پیشنهادها اختصاص بخشی از مالیات بر ارزش افزوده به شرکت‌های خدماتی شهرک‌های صنعتی برای بازسازی و نوسازی زیرساخت‌هاست. به گفته معاون وزیر صمت، پیشنهاد دیگر به مشارکت واحدهای صنعتی در تأمین هزینه‌های زیرساختی مربوط می‌شود. بر اساس این طرح، واحدهایی که در پروژه‌های بازسازی و نوسازی سرمایه‌گذاری می‌کنند، بتوانند متناسب با میزان مشارکت خود از اعتبار مالیاتی بهره‌مند شوند.

این پیشنهادها در شرایطی مطرح می‌شود که محدودیت منابع زیرساختی در برخی استان‌ها



نیز مشهود است. برای نمونه، در خراسان جنوبی نیاز آبی شهرک‌های صنعتی حدود ۸۰۰ لیتر بر ثانیه اعلام شده، در حالی که تخصیص موجود تنها ۱۸۷ لیتر بر ثانیه است؛ اختلافی که نشان‌دهنده فاصله قابل توجه میان نیاز صنایع و منابع در دسترس است.

### احیای واحدهای راکد؛ بازگشت ظرفیت‌های از دست‌رفته

احیای واحدهای تعطیل و نیمه‌فعال نیز از دیگر برنامه‌های سازمان صنایع کوچک است. بر اساس آمار اعلام‌شده، در سال گذشته ۲۰۶۷ واحد صنعتی راکد به چرخه تولید بازگشتند و برای سال جاری نیز احیای دو هزار واحد هدف‌گذاری شده است.

رئیس سازمان صنایع کوچک در این مورد اظهار کرد: در این مسیر، کلینیک‌های کسب‌وکار شهرک‌های صنعتی مأموریت دارند مشکلات بنگاه‌ها را شناسایی و برای هر واحد برنامه بهبود تدوین کنند. این برنامه صرفاً بر تأمین نقدینگی متمرکز نیست و مشکلاتی مانند فرسودگی ماشین‌آلات، کمبود مواد اولیه، ضعف بازار فروش و موانع حقوقی را نیز در بر می‌گیرد.

درواقع، بازگشت واحدهای غیرفعال به تولید مستلزم شناسایی علت توقف فعالیت است؛ زیرا تزریق تسهیلات به بنگاهی که بازار فروش یا توجیه اقتصادی ندارد، الزاماً به احیای پایدار آن منجر نخواهد شد.

### توسعه صنعتی بر مبنای ظرفیت‌های منطقه‌ای

در کنار برنامه‌های ملی، توسعه سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته نیز مورد توجه سازمان قرار دارد. به اعتقاد لاهوتی، توسعه صنایع کوچک و متوسط در مناطق مختلف کشور، نیازمند شناسایی ظرفیت‌های بومی و هدایت سرمایه‌گذاری به سمت فعالیت‌های دارای مزیت اقتصادی است

توسعه صنایع کوچک و متوسط در مناطق مختلف کشور، نیازمند شناسایی ظرفیت‌های بومی و هدایت سرمایه‌گذاری به سمت فعالیت‌های دارای مزیت اقتصادی است؛ به عنوان نمونه صنایع تبدیلی کشاورزی، صنایع غذایی، دامپروری، صنایع‌دستی و تولیدات محلی از جمله حوزه‌هایی هستند که می‌توانند زمینه شکل‌گیری کسب‌وکارهای کوچک، تکمیل زنجیره ارزش تولید و افزایش اشتغال در مناطق مختلف را فراهم کنند.

فعالان صنعتی نیز تاکید دارند که در این مسیر، ایجاد نواحی صنعتی تخصصی، واگذاری زمین در قطعات متناسب با نیاز بنگاه‌های خرد و فراهم کردن زیرساخت‌های مورد نیاز سرمایه‌گذاران می‌تواند به توسعه فعالیت‌های صنعتی در مناطق کمتر توسعه‌یافته کمک کند. همچنین مشوق‌های مالیاتی و تسهیلات حمایتی باید به‌گونه‌ای به کار گرفته شوند که ضمن کاهش هزینه اولیه سرمایه‌گذاری، زمینه استقرار پایدار واحدهای تولیدی و افزایش مشارکت بخش خصوصی را فراهم کنند.

به گزارش مهر، وضعیت شهرک‌های صنعتی نشان می‌دهد چالش این مجموعه‌ها تنها کمبود واحدهای جدید یا زمین صنعتی نیست، بلکه حفظ ظرفیت تولید موجود، تأمین مالی بنگاه‌ها و بازسازی زیرساخت‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است. خط اعتباری ۴۰۰ همتی، اصلاح قوانین مالیاتی و برنامه احیای واحدهای راکد، ابزارهایی هستند که در صورت اجرای مؤثر می‌توانند بخشی از این مشکلات را کاهش دهند؛ با این حال، معیار اصلی موفقیت آنها باید در افزایش تعداد واحدهای فعال، کاهش تعطیلی صنایع و بهبود واقعی زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی سنجیده شود.